

به‌هرحال این احتمال باعث تهدیدات بسیاری برای منافع ملی ایران خواهد شد. در این صورت ایران برای کاستن از حجم تهدیدات باید اقداماتی را انجام دهد: اول: ایران به دلایل ژئوپلیتیکی باید تأمین منافع سیاسی و امنیتی خود را در گروی بهره‌گیری بهینه از گسل‌های موجود بین بلوک‌های قدرت جست و جو کند. واقعیت این است که جایگاه ایران در منطقه و جهان اسلام، موقعیت استراتژیک آن در خلیج فارس و برخورداری از منابع استراتژیک و پتانسیل‌های قوی اقتصادی هر سوداگری را به سوی خود جذب می‌کند. لذا با تدبیر لازم می‌توان از طریق ایجاد رقابت بین مشتریان، گزینه‌ها را متعدد و منافع ملی را بیشینه کرد. دوم: ایران باید به این درک و قابلیت برسد که: ایران و ناتو به همان اندازه که دارای تضاد منابع و ایدئولوژیک هستند، می‌توانند دارای منافع مشترک قابل‌بحث باشند. جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع ملی خود می‌تواند ارتباط با برخی از اعضای ناتو که از طرف‌های سیاسی و اقتصادی اروپایی ایران به شمار می‌روند، داشته باشد. مراکز پژوهشی و فرصت‌های مطالعاتی ایجاد شود تا از جمله چشم‌اندازها و چالش‌های حضور ناتو در افغانستان فضای امنیتی ایران و ناتو و آینده افغانستان مطالعه شود. سوم: همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای برای مقابله با طالبان و القاعده، ایجاد امنیت در افغانستان، مبارزه با موادمخدر، پیوندهای اجتماعی و فرهنگی مشترک ایران با جوامع مستقر در غرب افغانستان ایجاد شود. چهارم: ناتو و ایران می‌باید برای اجرای پروژه افغانستان با یکدیگر همکاری کنند؛ اگر ناتو و ایران بتوانند افغانستان را به حوزه‌ای از همکاری تبدیل کنند؛ تمامی طرف‌های ذی‌نفع فرصت بهتری برای دستیابی به اهداف خود خواهند داشت.

به‌هرحال، تجربه سه دهه گذشته، حاکی از توجه جدی جمهوری اسلامی ایران به موضوع بهره‌گیری از قابلیت‌های فرهنگی و هنجاری خود برای تنظیم روابط خوب با دولت‌های آسیای مرکزی است تا جایی که برپایه دلایل و شواهد موجود، موفقیت ایران در آسیای مرکزی بیش از آنکه به حوزه سخت‌افزاری مربوط باشد، می‌تواند از حوزه نرم‌افزاری نشأت گیرد. در حوزه قدرت هنجاری، تهران از ابتدای دهه ۹۰ میلادی با وجود همه محدودیت‌ها